

جنگ آلمان و شوروی

بدین ترتیب دولت آلمان موفق شد که سازمان ارتش خود را تجدید، واحد های نوینی ایجاد و آلات و ادوات جنگی کلیه ارتشهای خود را تجدید و یا تکمیل نماید. احتمال قوی می رود که آلمانیها حتی در تکمیل سلاح توپخانه خود موفق به پیشرفت فوق العاده ای شده باشند. اهمیت این اقدامات در این نبود که دولت آلمان بدینوسیله موفق شد بتعداد سربازان خود بیافزاید بلکه در این بود که دولت مزبور نمیتوانست بهیچوجه بار دیگر چنین اقداماتی را شروع و چنین نتیجه ای بدست آورد. نازیها بطور تحقیق هر چیزی را فدای پیروزی در سال ۱۹۴۲ نمودند. نازیها میدانستند که اگر در سال ۱۹۴۲ موفقیت حاصل نمایند بطور حتم قدرت جنگی آنان روبه تنزل خواهد نهاد یعنی قدرت تولید کارخانهای جنگی امریکا و انگلستان بر قدرت تولید آنان فزونی خواهد یافت.

سازو برگ نیروی جدید بطور کلی کامل بود و میتوان بیقین گفت که آلمانیها در سراسر زمستان در جبهه خاور با استعمال سلاح های جنگی که از کشورهای اشغال شده فرانسه، بلژیک، هلند، چکوسلواکی، لهستان و روسیه بدست آورده بودند برداشتند. هوای ما همی گفته و یا آنها نیکه از دشمن گرفته شده بود بخدمات کوچک در جبهه جنگ گماشته شد. استعمال سلاح های نیمه مستعمل بوسیله آلمانیها منظور اصلی آنانرا عملی نمود بدین معنی که نه تنها از دست دادن آنها تحمیلی بر آلمانیها نبود بلکه روسها و متفقین آنها را بگمراهی انداخته و این تصور را برای آنان ایجاد کرده بود که همانطوریکه بمباران هوایی متفقین محصولات جنگی آلمان را فاج نموده جنگهای شوروی هم بر ادوات جنگی آنان لطمه بزرگی وارد آورده است در حقیقت آلمانیها در زمستان سال ۱۸ - ۱۹۱۷ هم متفقین را بچنین اشتباهی

انداخته بودند. در آن زمان عقیده محافل نظامی و سیاسی متفقین بر این بود که سربازان خط اول آلمان هم از لحاظ تجربیات جنگی و هم از لحاظ روحیه نمیتوانند بهیچوجه با سربازان متفقین برابری نمایند و اغلب آنان از مردمان نیمه تعلیم یافته و بینهایت جوان و یا ناسالم تشکیل میشوند حتی برخی سلاح های آلمانیها را کهنه و غیر قابل استعمال تصور مینمودند. در صورتیکه در همان موقع در آلمان سربازانی که از جبهه خاور در نتیجه سقوط رژیم تزاری روسیه مراجعت نموده بودند بنحو شکفت انگیزی مسلح بودند و برای آخرین حمله سال ۱۹۱۸ آلمان مهیا میشدند. در این دو واقعه وجه شبه زیادی موجود است بعلاوه مقدار زیادی از غنائم جنگی که بدست آلمانیها افتاده بود دوباره تعمیر شده و مورد استفاده آنان قرار میگرفت. از طرف دیگر کشورهای مختلف اروپا دائماً مشغول ساختن ارابه های جنگی مدل جدید برای ارتش آلمان بودند. در جنگهای لیبی، آلمانیها ارابه های جنگی که در کارخانه های اسلحه سازی، اشکودا، دوچکوسلواکی ساخته شده بود بکار میبردند همچنین ارابه های جنگی فرانسوی، سوموا ۳۵ (۱۶)، که دارای توپهای ۷۵ میلیمتری بود مورد استعمال آلمانیها قرار میگرفت. آلمانیها تما حدی که میتوانند بتوانستند بتکمیل این نوع سلاحهای جنگی کوشیدند. توپ ۸۸ میلیمتری که طبق تجربه در لیبی، برای هر منظوری مفید بود بجز آنرا زیاد در دسترس ارتش آلمان گذارده شد و نتایج مؤثری بوجود آورد.

برای تقویت نیروی جدید آلمانیها آنها را با سلاح های جدید از قبیل خمپاره های سنگری که دارای قدرت بیشتر بود و شعله افکنهای قوی مجهز نمودند و واحد های مخصوص برای ایجاد پرده های دود و مه مصنوعی ایجاد کردند. در حقیقت عملیات سران ارتش آلمان را برای تکمیل و تقویت نیروی خود از دسامبر ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۲ میتوان بالاترین موفقیت های نظامی دانست با اینوصف میتوان گفت که نتایج مزبور برای آلمانیها گران تمام شد. چون کارخانهای آلمان نمیتوانستند باندازه کافی بتولید ماشینهای جدید کشاورزی بپردازند لذا بامور کشاورزی آلمان که بمنظور صرفه جوئی در کارگر هر روز بماشینهای بیشتری احتیاج داشت لطمه بزرگی وارد آمد.

از طرف دیگر آلمانیها نکاتی را که در گذشته آموخته بودند در این موقع بمورد عمل گذاردند و این نکات عبارت بود از استعمال بنگاهها و مؤسسات مهندسی و ساختمانی در میدان جنگ. مؤسسات مقاطعه کاری بطور کلی بسیج و بجهت اعزام شدند.

این بود بطور خلاصه اصول سازمان ارتش آلمان موقعیکه در سال ۱۹۴۲ وارد میدان جنگ گردید.

برای تشریح وضع ارتش سرخ و چگونگی آن در بهار سال ۱۹۴۲ متأسفانه اطلاعات صحیح و کافی در دست نیست.

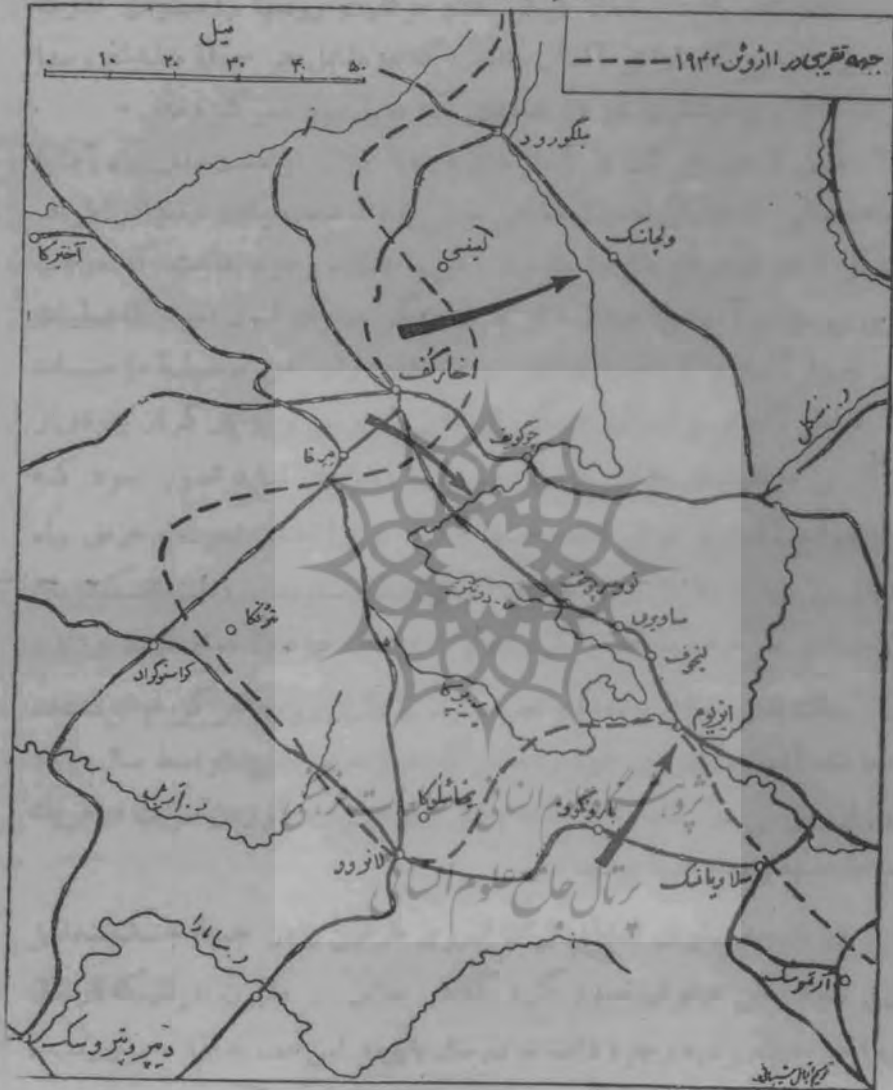
میتوان حدس زد که در آغاز جنگ ظرفیت روسیه از لحاظ نفرات جنگی ۱۴۰ میلیون نفر بود با آنکه در ظرفیت آلمان از این نقطه نظر شکی نیست معینا نمیتوان گفت که در موقع عقب نشینی روسها در سال ۱۹۴۱ چه تعدادی از نفرات جنگی آلمان در نقاط اشغال شده باقی گذارده شدند. در هر صورت ارتش آلمان در آغاز جنگ اغلب از شهرهای پر جمعیت روسیه را اشغال نمود و اشغال اینگونه شهرها و سایر عوامل موجب آن شد که جمعیت روسیه به ۱۰۰ میلیون نفر تقلیل یابد. در اینموقع آلمان در مقابل اینعده دارای یک جمعیت هشتاد میلیونی بود که بر اثر افزودن سربازان سایر کشور های متفق میتوان بخوبی آن را از ۱۰۰ میلیون متجاوز دانست. بلا این وصف چون روسیه از لحاظ تعداد موالید بر آلمان برتری داشت و در هر سال تعداد جوانان حاضر برای خدمت سربازی آن بیش از آلمان بود لذا میتوان گفت که رویهمرفته دولت آلمان از نقطه نظر جمعیت بر روسیه تفرقی نداشت.

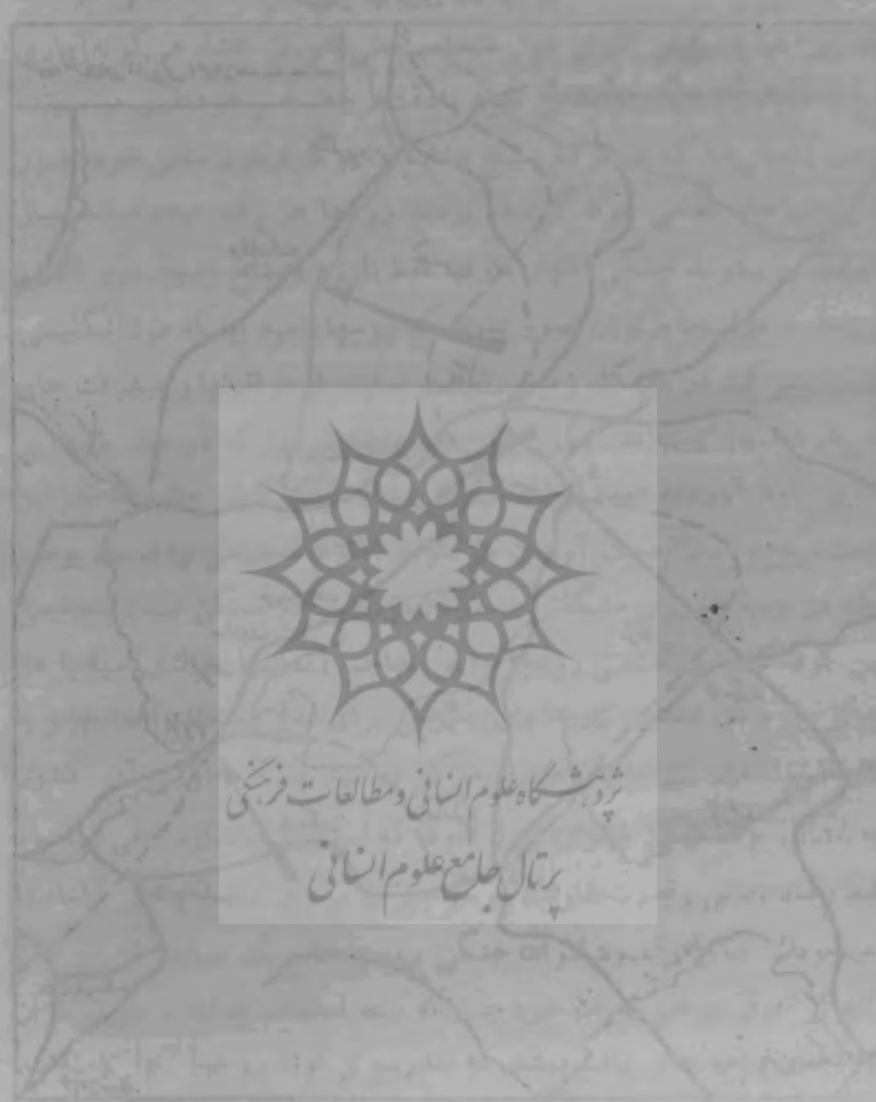
تا کنون دلیل کافی وقانع کننده ای در دست نیست که بوسیله آن بتوان یقین حاصل نمود که روسیه نیروی خاور دور، خود را بجهت باختری اعزام داشته باشد. با اینوصف باید در نظر داشت که روسها در اینموقع که برای تقویت نیروی باختری خود ناگزیر با ستمداد از نیروی خاوری و نیروی واقع در سیبری، بودند ناچار میبایستی سربازانیکه بادوات جنگی جدید آشنائی کافی نداشته و حتی از لحاظ آموزش و ابتکار نظامی ضعیف بودند وارد میدان جنگ نمایند. نواقص اخیر دربارۀ بیشتر از سربازان ذخیره روسیه صدق مینمود و این خود در جنگهای مکانیزه کنونی بزرگترین نقص است.

عامل مؤثر در سازمان ارتش ذخیره سال ۱۹۴۲ روسیه مقدار و نوع ادوات جنگی و مهمات بود لکن راجع باین موضوع هیچگونه اطلاعی در دست نیست زیرا در جنگهای کنونی دول متخاصم حتی القوه از افشاء هرگونه آماری راجع بذخیره و احتیاجات نظامی خود با دقت هر چه تمامتر خودداری مینمایند. برخلاف آلمانیها که در موقع بسیج صنایع و کارگران دول متفق خود مجبور بافشاء احتیاجات نظامی خود گردیده بودند روسها هر وقت میخواهند نیاز مبرم خود را بادوات جنگی اظهار دارند فقط بلزوم افتتاح جبهه دوم اشاره مینمودند. در اینجا میتوان تصور نمود که روسها بامید اینکه دول انگلیسی زبان را بشرکت در جنگ زمینی ترغیب نمایند از موفقیتهای و پیشرفت های نظامی خود عمداً کاسته اند. بطور یقین روسها تلفاتی را که در سال ۱۹۴۲ بر آلمانیها وارد آوردند عمداً از تلفات سال ۱۹۴۱ آنان کمتر جلوه دادند و این سیاست نوین روسها بدست آوردن هرگونه اطلاع صحیحی را نسبت بوضع جنگ در جبهه شوروی مشکلاتر میسازد. در این موقع ممکن نیست بتحقیق تعیین کرد که زیان صنعتی روسها بر اثر تهاجم آلمانیها بخاک روسیه یا در نتیجه از بین بردن عمدی کارخانهای صنعتی برای عدم استفاده آلمانیها و یا بر اثر نقل و انتقال کارخانهای مهم از مرکز روسیه ببنقاط خاوری آن کشور تا چه اندازه بوده لیکن میتوان قبول نمود که این زیان باندازه کافی زیاد بود و فقط رشادت ذاتی و قدرت مقاومت روسها جبران برتری سلاح جنگی آلمانیها را مینمود. لکن کمبود ادوات جنگی روسها مانع آن میشد که این ملت بتواند از تفوق روحی نفرات خود چنانکه باید استفاده نماید. بین سربازان متفق آلمان واحد هائی یافت میشد که بتدریج از قوت روحیه آنها کاسته شده و فقط تفوق مقدار ادوات جنگی آنان نسبت بروسها جبران این نقیصه را مینمود.

بزرگترین مانعی که روسها در چند ماه بعد از زمستان با آن مواجه شدند عدم موفقیتهای آنان در حرکت دادن افراد بنقاط مورد نیاز بود در حالیکه آلمانیها اینکار را با سرعت و اطمینان قابل ملاحظه ای انجام میدادند.

جبهه تقییر از روش ۱۹۳۲





ژوئیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این مجله در راستای اهداف علمی و پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با همکاری انجمن علمی نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با هدف ارتقای سطح علمی و پژوهشی در رشته‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر می‌گردد. این مجله به منظور ارائه و تبادل نظر در زمینه‌های علمی و پژوهشی در رشته‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و همچنین به منظور معرفی دستاوردهای علمی و پژوهشی در این رشته‌ها تأسیس شده است. این مجله به صورت فصلی و به زبان فارسی منتشر می‌گردد. این مجله به منظور ارتقای سطح علمی و پژوهشی در رشته‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و همچنین به منظور معرفی دستاوردهای علمی و پژوهشی در این رشته‌ها تأسیس شده است.

چنین بنظر میرسد که عقیده سابق روسها بقضا و قدر که در جنگهای ۰۵ - ۱۹۰۴ با ژاپن و ۱۷ - ۱۹۱۴ با آلمانیها موجب عدم موفقیت آنان گردید پس از بی نتیجه ماندن حمله متقابل شورویها در دسامبر ۱۹۴۱ دوباره ظاهر شده باشد. علت دیگر عدم موفقیت روسها را میتوان قدرت مداوم فرماندهی کل ارتش آلمان دانست که در مقابل هر حمله متقابل روسها میتواند نیروی بیشتری در هر نقطه‌ای که مایل بود تمرکز دهد.

نقص کندی حرکت در آغاز سال ۱۹۴۲ بر اثر از دست دادن راه آهنها و جاده‌هایی که دارای اهمیت نظامی مهمی بودند شدت یافت. تنها در اطراف مسکو، در اینموقع یک سلسله راه آهن و جاده وجود داشت که موجب برتری روسها بر آلمانیها میشد. از طرف دیگر میتوان قبول نمود که عملیات پشت جبهه آلمانیها از لحاظ ساختن و یا تعمیر راه آهن بوسیله مؤسسات نیمه نظامی آلمانی و اسرای جنگی لهستانی و روسی و یاکارگران یهودی از بزرگترین موفقیت‌های نظامی بشمار میرود با اینوصف نباید تصور نمود که در اینموقع آلمانیها موفق شده باشند کلیه پلها را تعمیر نموده و عرض راه آهنهای روسیه را بمرض راه آهنهای آلمان مبدل سازند. اغلب جنگجویان غیر نظامی سرخ هم یا خسته گردیده و یا مهمات خود را تمام کرده بودند.

بعلت بدی و سائل ارتباط و نقص سازمان اداری روسها مرکز موفق نشدند که مانند آلمانیها نیروی خود را متمرکز سازند. حتی تا اواسط سال ۱۹۴۲ سربازان روسی در کلیه نقاط جبهه پخش و برای وارد آوردن ضربت در هر یک از نقاط جبهه وسیع مهیا بودند.

در نتیجه نمیتوان تعداد نفرات نیروی طرفین را در جبهه جنگ بتحقیق تعیین نمود لکن میتوان تصور کرد که در مقابل ۱۰ میلیون نفراتیکه در سال ۱۹۴۱ در جبهه روسیه وجود داشتند در سال ۱۹۴۲ این عده به ۱۲ میلیون رسیده بود ولی تعداد حقیقی هواپیما هارا بهیچوجه نمیتوان تعیین نمود. عقیده عمومی بر آنست که آلمانیها در سال ۱۹۴۱ با ۷۰۰۰ هواپیمای خط اول بنحاک شوروی حمله نمودند.

در سال ۱۹۴۲ این تعداد تقلیل یافت و عده‌ای معتقدند که از ۶۰۰ تجاوز

نمی نمود در صورتیکه بعضی آنرا از ۴۵۰۰ هواپیما متجاوز میدانستند. هر گاه تعداد هواپیما های آلمانی را ۵۰۰۰ تصور نمائیم میتوانیم بگوئیم که روسها بهیچوجه این مقدار هواپیمای سیستم جدید نداشتند.

روسها هنوز مقدار زیادی هواپیمای سیستم قدیم داشتند که مخصوصاً در جبهه های درجه دوم استعمال مینمودند و بار دیگر باید این موضوع را تکرار نمود که آلمانیها در نتیجه برتری سازمان اداری میتوانستند در هر موقع که میخواستند در نقطه معینی هواپیما های خود را متمرکز سازند.

ماه آوریل بدون آنکه جنگ مهمی در جبهه خاور بوقوع پیوندد پایان یافت. با آنکه در اواخر ماه مارس در منطقه بریانسک، جنگ سختی بوقوع پیوست معیناً بزودی خاتمه پذیرفت و در پانزده روز اول ماه آوریل تنها یک رشته حملات و حملات متقابل محلی بوسیله نیروی طرفین دیده شد. بتدریج یخهای شمال مانند یخهای نواحی جنوبی شروع به آب شدن نمود و حرکت نیرو مخصوصاً وسائل زرهی غیر ممکن گردید. سنگرها از گل مملو و رودخانه ها بر اثر طغیان زمینهای مجاور را پوشانده بودند. حرکت در روی جاده ها تقریباً غیر ممکن گردید و چون آلمانیها برای حمله مجدد آماده نبودند میتوان تصور نمود که از این فرصت خشنود گردیده و اقدام بحمله روسها را بر اثر بدی هوا امری غیر ممکن میدانستند. با وجود این مشکلات و با وجود گل روسها در چهاردهم ماه آوریل ادعا نمودند که در خط آلمانیها در نقطه بریانسک، رسوخ بیشتری کرده اند. سه روز بعد اعلام داشتند که خط آهن آلمانیها را در نزدیکی لنینگراد، منهدم و در جهت اسمولنسک، پیشرفت مختصری نموده اند. این حوادث در حقیقت دارای اهمیت فوق العاده ای نبود و طرفین متخاصم هنوز مشغول ترمیم وضع و آماده ساختن نیروهای خود بودند تا بمحض متمرکز ساختن آنها بحمله مبادرت نمایند و از این گذشته میبایستی منتظر خشک شدن آب حاصل از ذوب برفها و مستعد گردیدن زمین برای عملیات نظامی بزرگ گردید. در اینموقع در سرتاسر جبهه از دریای بالتیک، تا دریای سیاه، بجز زدو خورد های محلی بین جلو داران جلادته دیگری اتفاق نمیافتاد.

در اوائل ماه مه نخستین ضربه قوی بوسیله آلمانیها وارد آمد. اگرچه ارتش آلمان در اینموقع آماده دست زدن بیک حمله بزرگ نبود معینا عامل زمان آنها را بعمل واداشت و بدین ترتیب زمینه نقشه حمله جدید آلمان موقعیکه در هشتم ماه به کرج^(۱) واقع در شبه جزیره کریمه، حمله بردند آشکار گشت. این حمله آبی آلمانیها بطور وضوح مقدمه فشار آنها بسوی خاور بود زیرا آلمانیها در صورت پیشروی بسوی خاور میبایستی جناح واقع در شبه جزیره کریمه را از خطر حمله روسها مصون سازند از اینرو آلمانیها با نیروی هوائی فوق العاده قوی روسها را در کرج شب و روز مورد حمله سخت قرار دادند و روسها در مقابل این حمله قوی بهیچوجه تاب مقاومت نداشتند. آلمانیها اظهار داشتند که ۲۰۰۰ هواپیمای عمود رو مشغول حمله بخط دفاعی روسها در این نقطه بود. البته این تعداد ادعای محض و فقط بمنظور هراسان ساختن دشمن بود. آلمانیها حد اکثر میتوانستند ۵۰۰ هواپیمای عمود رو در این نقطه بکار برند. ادعای دیگر آلمانیها این بود که در این جبهه شش لشکر پیاده که بوسیله توپخانه قوی و ارابه های جنگی حمایت میشدند بنبرد اشتغال داشتند. فشار نیروی آلمان فوق العاده بود و در شانزدهم ماه مه آلمانیها ادعا کردند که کرج را تصرف نموده اند لکن روسها تخلیه این بندر را در ۲۴ ماه مه آنهم پس از جنگ خونینی در داخل شهر اعتراف کردند.

موقعیکه مارشال تیموشنکو در دوازدهم ماه مه بقتلاً برده خارکف، حمله نمود از اهمیت حمله آلمانیها بر کرج، قاندازه ای کاسته شد. دو روز بعد روسها توانستند ادعا نمایند که خط دفاعی آلمانیها را در هم شکسته و شکاف وارده بر آن را هر آن وسیعتر می سازند. روز بعد یعنی در پانزدهم ماه مه روسها ادعا نمودند که در یک جبهه ۵۰ میلی موفق بده میل پیشروی شده اند. موضوع قابل توجه آنست که روسها در این موقع بتفوق هوائی خود کاملاً امیدوار بودند. البته چون آلمانیها در این موقع قسمت مهم نیروی هوائی خود را در کرج متمرکز ساخته بودند روسها میتوانستند در جبهه خارکف، تفوق هوائی

بدست آورند. روسها در قسمتهای خارجی شهر خار کف، رسوخ نموده و در منطقه های خاوری نیز از چند نقطه رودخانه دونتس،^(۱) عبور کرده بودند شکاف حاصله در خط آلمانیها آنطوریکه روسها ادعا مینمودند در این موقع به ۷۰ میل رسیده بود و چنان بنظر میرسید که ارتش آلمان این مرتبه بر اثر انحراف عده زیادی از نیروی خود بسوی کرج، کاملا غافلگیر شده بود. در روز هفدهم ماه مه توپهای روسی آنقسمت از شهر خار کف را که بوسیله آلمانیها اشغال شده بود در زیر آتش قرار دادند.

موفقیت روسها تا این حد متوقف گردید زیرا در این موقع فرماندهی کل ارتش آلمان توانست یکقسمت از نیروی را که برای جنگهای تابستانی مهیا ساخته بود بسوی خار کف اعزام دارد. دخول این قسمت از ارتش آلمان در جبهه خار کف، موجب آن شد که پیشروی روسها فوراً متوقف گردد. فرماندهی ارتش آلمان تنها باین اقدام مبادرت نوریزید بلکه در ۱۹ ماه مه فیلد مارشال فون یوگ، موفق گردید که در قسمت خاوری خار کف، از رودخانه دونتس، عبور نموده، در حدود ۷۰ میل بسوی جنوب خاوری پیشروی کرده و جناح چپ ارتش سرخ را که در اینموقع بسوی خار کف مشغول پیشروی بود مورد تهدید قرار دهد. این حرکت بهترین و برجستهترین و از لحاظ استراتژیکی مهمترین حرکت نظامی بود. از ۲۱ تا ۲۴ ماه مه بین ایزیوم - بارونکوو،^(۲) جنگ خونینی ادامه داشت. ابتدا روسها ادعا کردند که مشغول پیشروی بوده و حملات متقابل آلمانیها را با وارد کردن تلفات سخت بر آنها دفع مینمایند. سپس آلمانیها اعلام داشتند که در حوزه دونتس عده زیادی از ارتش سرخ را محاصره نموده اند. از طرف دیگر روسها مدعی بودند که حملات سخت ارا بهای جنگی آلمان را درهم شکسته اند و سرانجام آلمانیها در برلن اعلام نمودند که جنگ در این منطقه خاتمه یافته است.

فاتمام